

بررسی آیه

﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾*

- مهدی مطیع^۱
- محسن خالقی^۲
- پیمان کمالوند^۳

چکیده

خداوند در سوره مبارکه واقعه پس از اینکه انسان‌ها را به سه دسته «اصحاب المیمنه»، «اصحاب المشئمه» و «سابقون» تقسیم می‌کند، می‌فرماید گروه زیادی از سابقون از اولین بوده و اندکی از آن‌ها را آخرین تشکیل می‌دهند. تفاسیر به بیان مصداقی این مفاهیم و تبیین اولین و آخرین با معیار زمانی پرداخته‌اند که لازمه این اقوال تقلیل سابقون در گذر زمان بوده است.

در آموزه‌های قرآنی و روایی، اولین، کسانی هستند که در پرتو ایمان به خدا و توحید، استعداد و ظرفیت‌های خود را شکوفا کرده و به فعلیت می‌رسانند، لذا اکثریت سابقون و اصحاب المیمنه را تشکیل می‌دهند، اما

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۲.

۱. استادیار دانشگاه اصفهان (mahdimotia@gmail.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (mohsenkhaleghi464@yahoo.com).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (peyman.kamalvand@gmail.com).

آخرین که اقلیت سابقون را تشکیل می‌دهند، با اینکه روحیه و ظرفیتی مانند اولین ندارند، لکن دسترسی به مقام سابقون برای آن‌ها غیر ممکن نیست و می‌توانند در راستای عبودیت خداوند به این مقام نائل گردند. در این پژوهش، بیان مصداقی این اصطلاحات در آموزه‌های قرآنی و روایی جهت شناسایی روحیه سابقون مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تفسیر قرآن، سوره واقعه، سابقون.

بیان مسئله

سوره مبارکه واقعه به جایگاه انسان‌ها در قیامت می‌پردازد. این سوره پس از شرح برخی از اوصاف قیامت و چگونگی وقوع آن، انسان‌ها را به سه دسته «اصحاب المیمنه»، «اصحاب المشئمه» و «سابقون» تقسیم کرده و به جایگاه هر یک در قیامت اشاره می‌کند. سابقون کسانی هستند که در نعمت‌های بی‌پایان و گوناگون بهشت از جمله خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پاکیزه و لذیذ (ر.ک: واقعه/ ۱۸-۲۱)، همسران پاکیزه، زیبا و دلنشین (واقعه/ ۲۲-۲۳) به سر می‌برند. اصحاب المیمنه نیز در باغ‌هایی سرشار از انواع میوه‌ها که به آسانی در دسترس آنان است و هیچ‌گونه زوالی ندارند به سر می‌برند (واقعه/ ۲۸-۳۳) و با همسرانی بلندمرتبه که بسیار عشق‌ورز و با محبتند در بهشت به کام‌یابی مشغولند (واقعه/ ۳۴-۳۷). اما در سوی دیگر اصحاب المشئمه در گرمای سوزان جهنم به سر می‌برند و هیچ‌خنکایی احساس نمی‌کنند و سایه‌ای جز دود و گرد و غبار بر سر آن‌ها گسترده نیست (واقعه/ ۴۲-۴۴) و از بدترین خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها استفاده می‌کنند (واقعه/ ۵۲-۶۲).

خداوند پس از اینکه نعمت‌های گوناگون سابقون در هدایت و مقربان درگاه الهی را برمی‌شمارد می‌فرماید: ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ * وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه/ ۱۳-۱۴)؛ گروهی بسیار از پیشینیان و اندکی از پسینیان هستند. تفاسیر به تبیین مصداقی و زمانی و ذکر احادیثی که مصداقی اولین و آخرین را از سابقون بیان کرده، پرداخته‌اند که موجب تقلیل سابقون در گذر زمان می‌باشد، لذا این تحقیق به همراه بررسی تفاسیر ارائه‌شده، سعی دارد با تحلیلی درون‌متنی و در نظر گرفتن اصطلاحات و آیات مرتبط، مفاهیم سابقون، اولین، آخرین و اصحاب المیمنه و چگونگی ارتباط آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد و مفهوم آیه مورد نظر را تبیین کند.

۱. اصطلاح‌شناسی

سبق: این واژه به معنای تقدم است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸۵/۵). این لغت در ابتدا به معنای تقدم در سیر اطلاق می‌گردید و در آیاتی مانند ﴿فَالسَّابِقَاتِ سَبَقًا﴾ (نازعات/ ۴)، ﴿إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ﴾ (یوسف/ ۱۷) و ﴿وَاسْتَبَقَا الْبَابَ﴾ (یوسف/ ۲۵) در این معنا استعمال شده است، اما به تدریج بر جنبه‌هایی دیگر، از جمله سبقت در انجام کارهای نیک و صالح اطلاق گردید که در آیات ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ (واقعہ/ ۱۰) و ﴿وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ (آل عمران/ ۱۱۴) به این معناست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۵).

یمن: به معنای برکت و ضد شوم است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۳۰۲/۵). «میمنه» و «مشتمه» ضد یکدیگرند و در معانی مبارکی و سعادت و نامبارکی و شقاوت استعمال می‌شوند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۰/۱۶)، آن چنان که در آیات ﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْيَمِينَةِ﴾ و ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْئِمَةِ﴾ (بلد/ ۱۸-۱۹) به این معنا به کار رفته‌اند.

ثَلَّة: دارای دو معنای متباین تجمع و سقوط و انهدام می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۶۸/۱). برخی معتقدند که خداوند ثَلَّة را از آن جهت برای سابقون و اصحاب المیمنه به کار برده است که ایشان شخصیت دنیایی خود را منهدم کرده و به قرب الهی نائل شده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۴/۲). ثَلَّة بر جمعیت کثیری از مردم نیز اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۰/۱۱). این واژه سه مرتبه در قرآن به کار رفته که قید کثرت در تمام آن‌ها لحاظ شده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۱۲/۱)، آن چنان که تقابل ثَلَّة با قلیل دلالت بر کثرت عددی ثَلَّة دارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۵۸/۴). همچنین تنوین «ثَلَّة» و ذکر ثَلَّة به شکل «وحدة» مانند لغت «أُمَّة» در آیه ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (نحل/ ۱۲۰) به معنای تفخیم و اجلال این واژه است (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۲۱).

اوّل: به ابتدای هر چیزی گفته می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۱۱/۵) و اول و آخر نقیض یکدیگرند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۷۰/۱). اوّل چیزی است که بر دیگری تقدم دارد و این تقدم می‌تواند زمانی یا رتبی باشد؛ برای مثال حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ بر حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقدم زمانی دارد و حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ تقدم رتبی دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۰).

استعمال اولین و آخرین در بسیاری از موارد در قرآن مربوط به بُعد زمانی آن‌ها و ترتب زمانی اولین بر آخرین است. اولین در ترکیب‌هایی از جمله: أساطیر الأولین (نحل / ۲۴)، سنّة الأولین (انفال / ۳۸)، شیخ الأولین (حجر / ۱۰)، آبائنا الأولین (مؤمنون / ۲۴)، خلق الأولین (شعراء / ۱۳۷)، جبلة الأولین (شعراء / ۱۸۴)، زبر الأولین (شعراء / ۱۹۶)، أكثر الأولین (صافات / ۷۱)، نبی فی الأولین (زخرف / ۶) و مثل الأولین (زخرف / ۸) و آخرین در آیاتی از جمله: ﴿وَجَعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (شعراء / ۸۴)، ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۴۹) به کار رفته‌اند که در این ترکیب‌ها به بُعد زمانی این دو واژه اشاره شده است.

اولین و آخرین در آیاتی از جمله: ﴿أَلَمْ تَرْهَبِكِ الْأَوَّلِينَ * ثُمَّ نَسَّيْنَهُمُ الْآخِرِينَ﴾ (مرسلات / ۱۶-۱۷) و ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۴۹) در مقابل یکدیگر به کار رفته‌اند که در این آیات نیز به بُعد زمانی و ترتب زمانی اولین بر آخرین اشاره شده است.

البته لفظ اول و آخر در آیه ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (حدید / ۳) زمانی نیست؛ زیرا در این صورت زمان بر خداوند محیط خواهد بود و لازم می‌آید خود خدا جلوتر از زمان نباشد، در حالی که خداوند خالق زمان و محیط بر آن است. بلکه منظور از اول و آخر در آیه این است که او محیط بر تمام اشیاست، به هر نحوی که اشیا فرض شوند. اگر فلان چیز را اول یا آخر فرض کنی خداوند به خاطر احاطه‌اش اول‌تر و آخر‌تر از آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۵/۱۹)؛ به عبارت دیگر به دلیل اینکه زمان حادث است و صفات خداوند متعال از جمله صفت اول و آخر ذاتی هستند و ذات خداوند از هر حدوثی پاک و منزّه است، اول و آخر بودن خداوند در این آیه زمانی نیست، بلکه ذاتی است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۳۷).

همچنین خداوند در این آیه دو صفت اول و آخر را در خویش جمع کرده و بیان می‌کند که خداوند در حالی که اول است آخر نیز هست؛ زیرا اول بودن خداوند به معنای مبدأ بودن اوست و آخر بودن خداوند به معنای مرتبه‌غایت وجودی ذات پروردگار است که این دو صفت پیوسته در ذات پاک خداوند جاری هستند (شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۵۳/۶-۱۵۴). به عبارت دیگر اول و آخر بودن خداوند، وجودی است، نه زمانی (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶/۱۵۶).

۲. دیدگاه‌های موجود در تفسیر اولین و آخرین

تفاسیر ارائه شده از آیه فوق به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی ظهور حضرت محمد ﷺ را ملاک در تقسیم اولین و آخرین دانسته، معتقدند که سابقون در امت‌های گذشته بیشتر از امت حضرت محمد ﷺ می‌باشند (طوسی، بی تا: ۹/۴۹۰). گروهی دیگر با پذیرش قول اول در مورد مفهوم اولین و آخرین، معتقدند که این آیه توسط آیات «ثُمَّ مِنَ الْأُولَىٰ * وَثُمَّ مِنَ الْآخِرِينَ» (واقعه / ۳۹-۴۰) نسخ شده و در نتیجه تعداد سابقون امت حضرت محمد ﷺ از امت‌های گذشته کمتر نیست (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۵/۱۴)، در حالی که گروهی دیگر هر دو تعبیر اولین و آخرین را متعلق به امت حضرت محمد ﷺ می‌دانند (طنطاوی، بی تا: ۱۴/۱۶۳).

۱-۲. دیدگاه اول

تفسیر اول معیار تقسیم به اولین و آخرین را زمانی دانسته، معتقد است که منظور از اولین، امت‌های انبیای گذشته تا زمان حضرت محمد ﷺ و منظور از آخرین، امت حضرت محمد ﷺ است. طبق این دیدگاه سابقون در هدایت در امت‌های گذشته از امت حضرت محمد ﷺ بیشترند. برخی معتقدند که با توجه به موارد استعمال دو لفظ اولین و آخرین در آیات قرآن به خصوص آیات «...أَنَا لَبْعُونٌ * وَأَنَا مِنَ الْأُولَىٰ * قُلْ إِنَّ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ * جَمْعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ» (واقعه / ۴۷-۵۰) اولین بر امت‌های گذشته و آخرین بر امت حضرت محمد ﷺ مطابقت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۱/۱۹). برخی از موافقان این دیدگاه با توجه به آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْعُرْفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران / ۱۱۰) کثرت عددی سابقون را دلیلی بر کثرت کیفی ندانسته و بیان می‌کنند که کثرت سابقون امت‌های گذشته دلیلی بر برتری مقام آن‌ها بر سابقون امت حضرت محمد ﷺ نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۷/۲۳). به عبارت دیگر کثرت معنوی سابقون امت حضرت محمد ﷺ بیشتر از امت‌های گذشته است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۱۱۵/۱۶).

برخی دیگر از ایشان نیز معتقدند که کثرت سابقون امت‌های گذشته مانعی برای

کثرت پیروان امت اسلامی نیست، بلکه مانند شهری است که تعداد علمایش از دیگر شهرها کمتر است، اما تعداد مردم و پیروان آن شهر از دیگر شهرها بیشتر است. لذا خداوند در ادامه می‌فرماید: ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۳۹-۴۰) و بیان می‌کند که گروه زیادی از امت حضرت محمد ﷺ در زمره اصحاب المیمنه می‌باشند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۷۸/۵).

گروهی دیگر منظور آیه ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾ را پیامبران از آدم تا حضرت عیسی و اوصیای آن‌ها تا زمان بعثت حضرت محمد ﷺ می‌دانند که تعدادشان کم و بیش به ۱۲۴ هزار نفر می‌رسد و ﴿وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ را منحصر به چهارده معصوم علیهم‌السلام و برخی بستگان آن‌ها می‌دانند که دارای مقام عصمت بودند (طیب، ۱۳۷۸: ۱۲/۳۹۵).

۲-۲. دیدگاه دوم

تفسیر دوم معتقد است که تعبیر اولین مربوط به امم گذشته و تعبیر آخرین مربوط به امت حضرت محمد ﷺ می‌باشد که در این صورت سابقون امت اسلامی کمتر از امت‌های گذشته است، لکن این آیه به وسیله آیات ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۳۹-۴۰) نسخ شده است. ایشان بیان می‌کنند وقتی آیات ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۱۳-۱۴) نازل شد و پیامبر ﷺ آن را قرائت فرمود، بر صحابه گران آمد که سابقون این امت از امت‌های گذشته کمتر بوده و تعداد کمی از امت حضرت محمد ﷺ مشمول مقام سابقون گردیده‌اند. لذا خداوند این آیه را به وسیله آیات ۳۹ و ۴۰ همین سوره نسخ کرد (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵/۳۶۲).

اما این دیدگاه از آنجا که آیات ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۱۳-۱۴) در مورد سابقون نازل شده و آیات ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۳۹-۴۰) درباره اصحاب المیمنه نازل گردیده است صحیح نمی‌باشد؛ زیرا موضوع آیات ناسخ و منسوخ یکسان نیست و این دو دسته آیات در مورد امر واحدی نازل نگردیده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۴۵۹).

۲-۳. دیدگاه سوم

تفسیر سوم، اولین و آخرین را از امت حضرت محمد ﷺ دانسته، بیان می‌کند که

اولین از ابتدا و آخرین از انتهای امت حضرت محمد ﷺ هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۲/۲۹)، آن چنان که حدیث «الفرقتان فی أمتی، فسابق فی أول الأمة ثلثة، وسابق سائرها إلى یوم القیامة قلیل»^۱ (اندلسی، ۱۴۲۰: ۷۹/۱۰) بر این معنا دلالت دارد.

برخی از ایشان معتقدند که دلالت آیه بر این معنا ظهور دارد؛ زیرا خطاب موجود در آیه مستلزم این است که منظور از اولین و آخرین، افراد همین امت باشند. طبق این دیدگاه هر سه گروه اصحاب المیمنه، اصحاب المشئمه و سابقون از امت حضرت محمد ﷺ هستند و آیه در مقام تبیین احوال امت اسلامی است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۲/۲۹).

در اثبات این نظریه به آیه دیگری از قرآن نیز استشهاد شده است، بدین نحو که با توجه به آیه «...لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ أُولَئِكَ أَكْبَرُ مِنْ دَرَجَةٍ مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتِلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَى وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ» (حدید/ ۱۰) خداوند بین کسانی که قبل و بعد از فتح مکه انفاق و جهاد کردند فرق گذاشته و کسانی را که قبل از فتح مکه انفاق و جهاد کرده بودند برتری می دهد. همچنین کسانی که زودتر به اسلام گرویدند نزد خداوند مقرب ترند، لذا تعداد سابقون در این افراد بیشتر از کسانی است که پس از گذشت زمان زیادی اسلام را پذیرفتند (همان).

۲-۴. بیان مصداقی و زمانی تعابیر سابقون، اولین و آخرین

هر سه نظر نقل شده به بیان مصداقی و تقسیم زمانی مفاهیم اولین و آخرین می پردازند. همچنین بسیاری از روایات در این زمینه به تبیین مصداقی سابقون از میان اولین و آخرین در امت های گذشته و امت حضرت محمد ﷺ پرداخته اند. از جمله مصداقی سابقون که مفسران نقل کرده اند می توان به کسانی که بر دو قبله نماز گزارند، سبقت گیرندگان در هجرت، اهل قرآن، پیشی گیرندگان در اسلام و جهاد (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۲۰۲/۹)، سبقت گیرندگان بر نمازهای پنج گانه (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۹/۱۳)، سبقت گیرندگان در ایمان و کسانی که بر توبه و کارهای نیک پیشی می گیرند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۵/۹) اشاره کرد.

۱. هر دو فرقه اولین و آخرین از امت من هستند، حال آنکه سابقون اول امت من از سابقون آخر امت من بیشترند.

امام صادق علیه السلام در جواب سؤالی، سابقون از اولین را هابیل، مؤمن آل فرعون و حبیب نجار معرفی می کند و حضرت علی علیه السلام را مصداق سابقون از آخرین ذکر می کند (فرات بن ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰: ۴۶۵). همچنین از امام محمد باقر علیه السلام نیز حدیثی با همین مضمون نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۲۵۶).

حضرت علی علیه السلام پنج تن از صحابه پیامبر از جمله خودشان، سلمان فارسی، صهیب، بلال حبشی و خباب (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۳۱۲/۱)، و امام صادق علیه السلام نیز زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و برید را به سابقون امت خویش لقب داده و آن‌ها را مصداق آیه مورد بحث معرفی فرموده‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۱/۱۳). احادیثی دیگر علی بن ابی طالب علیه السلام و پیروان او را مصداق سابقون دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۴: ۷۲).

امام باقر علیه السلام در مورد خود و پیروانش می فرماید:
«نحن السابقون السابقون ونحن الآخرون» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/۱۲۰)؛ ما مصداق سابقون و آخرون هستیم.

در حدیثی شبیه به همین حدیث از امام صادق علیه السلام نقل شده که به جمعی از شیعیان نشان فرمودند:

«... أنتم شیعة الله وأنتم أنصار الله وأنتم السابقون الأولون والسابقون الآخرون والسابقون فی الدنيا والسابقون فی الآخرة إلى الجنة...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۳/۸)؛ شما شیعیان و انصار خداید، شما سابقون اولین و سابقون آخرین و سابقون در دنیا و سابقون در آخرت به سوی بهشت هستید.

ذکر این نکته ضروری است که شیوه تبیین مصداقی مفاهیم سابقون، اولین و آخرین که بسیاری از اقوال مفسران و روایات وارده را شامل می شود روشی در راستای الگودهی به مؤمنان در جهت سیر الی الله است، لکن این شیوه نمی تواند معنایی کامل از مفاهیم سابقون، اولین و آخرین را تبیین کند.

از طرفی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است:
«خیر القرون قرنی ثمّ الذین یلونهم ثمّ الذین یلونهم» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۸/۸)؛ بهترین دوران دوره من است، سپس کسانی که به دنبال آن‌ها می آیند و سپس کسانی که به دنبال آن‌ها می آیند.

با توجه به این حدیث نمی‌توان معیار در تقسیم به اولین و آخرین و کثرت سابقون اولین بر سابقون آخرین را زمانی دانست، آن چنان که از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به تواتر نقل شده که فرمود: «هفتاد هزار از امت من بدون حساب وارد بهشت می‌شوند» (همان: ۹).

همچنین با توجه به روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره شیعیانشان (... انتم السابقون الأولون و السابقون الآخرون و السابقون في الدنيا و السابقون في الآخرة...) (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۳/۸) مشخص می‌گردد که نمی‌توان با معیاری زمانی به تقسیم اولین و آخرین پرداخت؛ زیرا در این صورت امکان تحقق این دو مفهوم در یک زمان بر شیعیان امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نیست.

همچنین سخن مفسران در تبیین مفهوم اولین و آخرین و تقسیم زمانی این دو مفهوم مستلزم اندک بودن سابقون و مقربان در امت اسلامی بنا بر نظر اول و تقلیل عددی سابقون در گذر زمان بنا بر نظرات دیگر است که این تفاسیر بر خلاف تعبیری از جمله: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره/ ۱۴۸)، «فَاسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ» (یس/ ۶۶)، «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» (حدید/ ۲۱) و «سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» (آل عمران/ ۱۳۳) می‌باشد که انسان‌ها را دعوت به پیشی گرفتن و سبقت در خیرات کرده - که امکان کثرت سابقون را در گذر زمان می‌رساند - و آثار تربیتی چندانی ندارد. از این رو بررسی آیه مورد نظر بدون در نظر گرفتن مفاهیم، اصطلاحات و آیات مرتبط و هم‌معنا امکان‌پذیر نیست.

۳. بررسی مفهوم سابق در قرآن و روایات

آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر/ ۳۲) نیز مانند سوره مبارکه واقعه انسان‌ها را به سه دسته ظالم لِنَفْسِهِ، مقتصد و سابق بالخیرات تقسیم می‌کند که بررسی آن در تبیین مفاهیم آیه مورد نظر ضروری است.

ظالم لِنَفْسِهِ، مقتصد و سابق بالخیرات

تعبیر ظالم لِنَفْسِهِ، مقتصد و سابق بالخیرات تعابیری مطابق با اصحاب المشتمه،

اصحاب المیمنه و سابقون بوده که جایگاه انسان‌ها را در پذیرش صراط مستقیم و حق بیان می‌کنند. گروهی بر خویش ستم کرده و حق را نپذیرفته‌اند که با تعبیر اصحاب المشتمه معرفی شده‌اند. گروهی دیگر در پیمودن صراط مستقیم میانه‌رو بوده و مقتصدانه در راه حق قدم برمی‌دارند که با تعبیر اصحاب المیمنه بیان شده‌اند، در حالی که گروهی دیگر در انجام خیرات از دیگران سبقت گرفته و به جایگاه قرب الهی رسیده‌اند که با تعبیر سابقون معرفی شده‌اند.

امام صادق علیه السلام نیز انسان‌ها را به سه دسته تقسیم کرده، می‌فرماید: گروهی تمام همتشان در تبعیت از نفسشان است، گروهی دیگر پیروان قلوب خویشند و همت و تلاش گروه سوم در راستای خواسته‌های خداوند است. ایشان این سه گروه را با عنوان ظالم لنفسه، مقتصد و سابق بالخیرات معرفی می‌کند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۳۶۳).

در حدیثی دیگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم سابقون را این گونه معرفی می‌کنند: سابقون کسانی هستند که هنگامی که حق بر آن‌ها عرضه شود آن را می‌پذیرند و هنگامی که از آن‌ها درخواستی شود بذل و بخشش کرده و بین مردم به گونه‌ای حکم می‌کنند که گویی برای خود حکم می‌کنند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۰/۷۹).

حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه *«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»* (آل عمران / ۱۳۳) می‌فرماید: «فإنکم لن تنالوها إلا بالتقوی»؛ ایشان تحقق تقوا و پاکی را شرط اصلی نیل به جایگاه سابقون و پیشتازان در مغفرت و قرب الهی می‌داند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۳۸۹).

با توجه به آیات و روایات ذکر شده انسان‌ها متناسب با برخوردشان نسبت به پذیرش حق و چگونگی پیمودن صراط مستقیم و تقوای پیشه‌شده به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ در واقع از دیدگاه قرآن، پذیرش حق، ایمان، تقوا و انجام خیرات، معیار سنجش و تقسیم انسان‌ها به اصحاب المشتمه، اصحاب المیمنه و سابقون است.

۴. بررسی مفاهیم اولین و آخرین

با توجه به تبیین مفهوم و مصادیق سابقون در مباحث گذشته، اکنون به بررسی مفاهیم دو تعبیر اولین و آخرین می‌پردازیم.

۴-۱. تحلیل قرآنی، روایی اولین و آخرین

قرآن انسان‌ها را در ظرفیت قبول حق به سه دسته تقسیم می‌کند؛ گروهی به خاطر کفر و شرک تمام استعداد‌های خود را نابود کرده و اعمالشان چون سرابی بی‌حقیقت و ظلماتی در اعماق دریای عمیق می‌ماند که موج‌هایی از ظلمت آن را پوشانده است و هیچ نوری برای آن‌ها وجود ندارد (ر.ک: نور/ ۳۹-۴۰).

قرآن گروهی دیگر را در کمال شکوفایی استعداد‌هایشان این گونه تشبیه می‌کند: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ...﴾ (نور/ ۳۵). اینان چون روغنی می‌مانند که با کمال استعداد برای اشتعال بدون اینکه آتشی به آن برسد شعله‌ور می‌گردند و تمام استعداد‌های خود را شکوفا می‌کنند و نور سرتاسر وجودشان را در بر می‌گیرد.

مابین این دو گروه، مؤمنان دیگری هستند که در قیامت نورشان از روبه‌رو و طرف راستشان به سرعت حرکت می‌کند و به خداوند عرضه می‌دارند: ﴿...يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (تحریم/ ۸) و می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی».

اولین که اکثریت سابقون را تشکیل می‌دهند کسانی هستند که حجاب‌های درونی و بیرونی خللی در پذیرش حق و تحقق ایمان در وجود آن‌ها ایجاد نکرده است. آنان دارای روحیه‌ای هستند که مانند روغنی با کمال استعداد برای اشتعال بدون اینکه آتشی به آن‌ها برسد شعله‌ور می‌گردند (ر.ک: نور/ ۳۵)، در حالی که آخرین که اقلیت سابقون را تشکیل می‌دهند روحیه و ظرفیتی ضعیف‌تر از کسانی دارند که هیچ خللی در وجودشان برای پذیرش حق ندارند، با این حال گروه اندکی از آنان در خیل سابقون قرار می‌گیرند. از طرفی دیگر اصحاب المشتمه مانند ظلماتی می‌مانند که استعداد‌های خود را از بین برده و هیچ درخششی ندارند (ر.ک: نور/ ۴۰).

مفاهیم اولین، آخرین، اصحاب المیمنه و اصحاب المشتمه و همچنین کثرت سابقون اولین بر سابقون آخرین در هر امتی جاری است و هر دوره تاریخی مانند دانشگاهی است که برخی از دانشجویان مردود و برخی دیگر پیرو مکتب اسلامی

بوده و در هر دوره‌ای کسان دیگری نیز هستند که قوام تربیت و تعلیم اسلامی به دست آن‌هاست (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱۶)؛ به خاطر همین حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «امت من مانند باران است که مشخص نیست اولش بهتر است یا آخرش» (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۶۹/۱)؛ زیرا دین همان گونه که برای تبلیغ و رشد خود محتاج به اولین امت اسلامی است به آخرین امت نیز برای تداوم و رشد هر چه بیشتر خود احتیاج دارد، همانند زرعی که برای رشد خود غیر از نیاز به باران‌های اول به باران‌های دوم و آخر نیز نیازمند است. در همین راستا حضرت محمد ﷺ دربارهٔ امت خویش فرمود: پیوسته طایفه‌ای از امت من بر حق ظهور می‌کنند و کسانی که آن‌ها را پست می‌شمارند و با آن‌ها مخالفت می‌کنند هیچ ضرری تا روز قیامت به آن‌ها نمی‌رسانند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۹/۸).

با توجه به آنچه گفته شد مشخص می‌شود کسانی که دارای روحیهٔ حق‌پذیری بالایی هستند در هر زمانی که باشند از جهت رتبه از سابقون اولین و پیشگامان در قرب الهی به شمار می‌روند، آن چنان که سخن امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در حق یارانشان بر این معنا دلالت دارد:

... أنتم شيعة الله وأنتم أنصار الله وأنتم السابقون الأولون والسابقون الآخرون والسابقون في الدنيا والسابقون في الآخرة إلى الجنة... (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۳/۸).

البته باید به این نکته توجه کرد که سبقت زمانی در کنار معیار و ملاک‌های دیگر یکی از ملاک‌های تحقق این روحیه در وجود انسان به شمار می‌رود.

بنابراین روایات دو ثلثه موجود در آیات ﴿لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ * ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ * وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعه / ۳۸-۴۰) را از امت حضرت محمد ﷺ دانسته (بغوی، ۱۴۲۰: ۱۶/۵) و مفسرانی مانند مجاهد و حسن در تفسیر آیات فوق بیان می‌کنند که هر دو ثلثه موجود در آیه از امت حضرت محمد ﷺ هستند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۹/۲۷). آن چنان که ملاحظه می‌شود خداوند در این آیات بر خلاف آیات مربوط به سابقون که اندکی از آخرین را مشمول کسب مقام سابقون معرفی می‌کند، جمعیت کثیری از اولین و آخرین را جزء اصحاب الیمین می‌داند. اولین که روحیهٔ حق‌پذیری بالایی دارند و دارای کمال استعداد جهت شکوفایی قابلیت‌های خود هستند اکثریت سابقون و

اصحاب الیمین را شامل می‌شوند؛ لکن جمعیت اندکی از آخرین به سبب سعی و تلاش بیشتر به زمره اولین ملحق گشته و به مقام سابقون نائل می‌گردند، حال آنکه اکثر آن‌ها به اصحاب الیمین پیوسته‌اند، لذا خداوند در آیات ۳۹ و ۴۰ از قلیل به ثله عدول می‌کند.

آنچه در فهم احادیثی که برخی از گذشتگان را مصداق سابقون اولین معرفی می‌کنند اهمیت دارد، جدایی بین مفهوم و مصداق سابقون اولین و سابقون آخرین است؛ سابقون اولین از نظر مفهومی کسانی هستند که پس از عرضه حق بر آن‌ها، آن را بدون هیچ درنگی می‌پذیرند و در راستای تحقق آن در وجود خویش کوتاهی نمی‌کنند، لذا این مفهوم در تمام امت‌ها وجود داشته (ثعالی، ۱۴۱۸: ۳۶۲/۵)، لکن برخی از احادیث وارده به معرفی مصادیق آن در امت‌های گذشته پرداخته و برخی دیگر به بیان مصادیق آن در امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌پردازند.

نتیجه گیری

در این پژوهش به تبیین مفهوم آیه **«ثَلَّةٌ مِنَ الْأُولَىٰ * وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ»** پرداخته شد. تفاسیر ارائه شده سه نظریه را مطرح نمودند و از سویی مشخص گردید که بیان مصداقی سابقون اولین و سابقون آخرین به جهت ارتباط جدی تر مخاطب با قرآن کریم و اینکه خود را مصداق همه تعالیم آن دانسته و امید به کمال و رشد و ملحق شدن به بالاترین درجات بندگان را داشته باشد، در برخی از روایات صورت گرفته است، لکن نمی‌توان با معرفی مصادیق این مفاهیم به معنای جامع و کاملی از آیه دست یافت، همچنین تقسیم اولین و آخرین با معیارهای زمانی، موجب از بین رفتن آثار تربیتی آیه گردیده و بر خلاف آیات دیگر که به تحقق روحیه سبقت در خیرات تشویق می‌کنند، موجب از بین رفتن انگیزه‌های لازم جهت دستیابی به مقام بلند سابقون می‌گردد.

بنا بر آیات قرآن افراد در پذیرش حق و شکوفایی استعدادهای خود به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ گروهی با کمال استعداد جهت شکوفایی استعدادهایشان در پرتو توحید، استعدادها و ظرفیت‌های خود را به فعلیت می‌رسانند که اکثریت اینان به

زمره سابقون می‌پیوندند. اما گروهی دیگر که چنان ظرفیت و قابلیت را جهت شکوفایی استعدادهایشان در خود ایجاد نکرده‌اند، با سعی و تلاش خویش می‌توانند در زمره سابقون قرار بگیرند، لذا اقلیت این مقام را به خود اختصاص می‌دهند، این در حالی است که گروهی دیگر در پرتو کفر و شرک، استعداد و ظرفیت‌های انسانی خویش را زیر طبقاتی از ظلمت و تاریکی دفن کرده‌اند که در زمره اصحاب المشتمه قرار می‌گیرند.

کتاب شناسی

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۸. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۰. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. حسینی زبیدی، سید محمد مرّضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، تفسیر القرآن الکریم، قم، بیدار، ۱۳۶۶ ش.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۲۰. همو، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. طبیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۳۱. فرات بن ابراهیم کوفی، ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه، التفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۳۴. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. همو، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

Archive of SID